

رسالة

# أحكام القرآن

تعدادی :

مجتهد مجاهد

علامة برقعی



تصدیق اجتهاد برای مؤلف این رساله در ۳۳ سال قمر صادر شد از مرجع بزرگ  
شیخ حضرت آیه الله العظمی آقا سید ابوالحسن صفهانی را علی الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین  
و الطاهرین علی اعدائهم اجمعین من لان الیم الدین و لعل  
فان ضیاء الفضل کما مر و العالم العدل مروج الاحکام فرة عینی  
السید الفاضل الرقی و کتبت تأییداته فمن بذل جهده فی تحقیق  
الزحیة و المعارف الالهیه برهنة خیر عمره و شرفا من دهره و حجة  
من الاساطین حتی یبلغ بجهده عزیه عالیة من الفضل و الاجتهاد و یفوز  
و السداد و له المصداق فی الامور الحسنة و فی الاجور لیسر النفع و ان  
المصداق فیها و اخرته ان یأخذ من سبیل الامام علیه السلام لیسر النفع و ان  
الزائد منه الی النصف و عرف مفعله منها للفقراء و الا دست و هم  
و اخرته ان یروی فی جمیع ما حکت له روایة و ان یفصح عن طریق  
و ادویه کلالة التوفی و مرایة الاصل و ان لا ینزل عن الدقة  
فی نطق الکتابیت و ان یحفظ و یراعی الراجح و یراعی  
الادب و یراعی الکمال





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي منّ علينا و شرفنا بشراقة التكليف و الصلوة على نبينا  
المبعوث بالدين الحنيف و على اله ذوی الحسب الشریف (ع) و بعد چنین گوید این  
بنده نحیف و عبد ضعیف که قرآن مجید کتابی است جامع قوانین دینی و دنیائی و  
قواعد و معارف سبحانی و رهنمای سعادت همگانی و باجماع تمام مسلمین و تصریح  
خود آن حجتی است از جانب خدای دیان که فرموده در وصف آن در سورة  
فصلت آیه ۴۱ - و انه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه  
تنزيل من حکیم حمید ، یعنی این قرآن کتابی است عزیز بانبرو که از پیش و  
از پشت آن باطل نیاید زیرا نازل شده از طرف خدای حکیم مهربان یعنی مؤلف  
آن خدای متعال است و در سورة هود آیه ۱ - در شأن آن آمده کتاب احکمت  
آياته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر یعنی قرآن کتابی است آیات آن محکم  
شده سپس تفصیل داده شده از نزد خدای حکیم خبیر و حق تعالی آنرا رحمت  
و شفا نامیده در سورة اسراء آیه ۸۲ فرموده و ننزل من القرآن ما هو شفاء و  
رحمة للمؤمنين و نیز آنرا رهنما و هدایت دانسته و در سورة بقره آیه ۲ فرموده  
هدى للمتقين و گاهی نورش خوانده و فرموده قد جالکم من الله نور و  
کتاب مبين و در بسیاری از آیات آنرا حق و حقیقت و بیان روشن گفته و گاهی



حکمت و نعمتش خوانده در سورة بقره آیه ۲۳۱ فرموده و اذکروا نعمة الله علیکم وما انزل علیکم من الكتاب والحكمة و در سورة مائده آیه ۱۱۰ فرموده و اذ علمتک الكتاب والحكمة و گاهی آنرا موعظه نامیده و فرموده قد جئکم موعظة من ربکم و گاهی روح حیوة وزندگی بر آن اطلاق کرده و فرموده انزلنا علیک روحاً من امرنا و آنرا از هر جهت برای بندگان کافی و وافی شمرده و فرموده اولم یکفهم انا انزلنا علیک الكتاب یعنی آیا کفایت نکرده ایشانرا که ما نازل نمودیم بر تو این کتابرا ، و در سورة نحل آیه ۸۹ فرموده نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیئی پس معلوم میشود قرآن دارای تمام محسنات و از هر جهت برای مسلمین نعمت و هدایت است اما متأسفانه ملت ما از آن دور و مهجور و بی بهره مانده اند در زمان ما بیشتر از آن بی خبر و اکثر گویندگان و نویسندگان ضد آن میافند و جز نامی از قرآن در میان نیست و یک حدیث ضعیف مجهولی را بر قرآن مقدم میدارند و رغبتی که بیک حدیث مخالف قرآن و یا یک شعر منافی آن دارند بقرآن ندارند میتوان گفت عقائدشان ضد قرآن و رفتارشان مانند دشمنان آن گویا کلاً علیه قرآن قیام کرده اند باینکه بسیاری از علماء بزرگ خبر واحد را حجت نمیدانند اینان همان اخبار آحاد متضاد قرآنرا می پذیرند و دست از قرآن بر میدارند باینکه قرآنرا حجت مینامند در چنین روزگار یکی از جوانان بیدار که فردیست دیندار و خوش گفتار و نیکو کردار و فرزندی او برای این ذرة بیمقدار موجب افتخار و برای امثال و اقران خودش حجتی است از پروردگار ، آن بنده دل آگاه که نامش محسن بن عبدالله باشد پیشنهاد نمود که آنچه از عقائد و احکام و تکالیف از قرآن استفاده و استنباط میشود بنام احکام القرآن ، استخراج نمایم بطور ساده و آسان ، برای پارسی زبانان تا رساله جامعه ای باشد برای مکلفین و ذخیره ای گردد برای یوم دین ، بنابراین تذکار چند چیز لازم گردید .



## ۱ - قرآن حجت الهی است برای عموم مردم

تمام علمای اسلام چه شیعه و چه غیر شیعه قرآنرا حجت میدانند و برای احکام اسلام چهار دلیل شمرده اند که هر يك از آنها را مستقلاً حجت میدانند اول قرآن ، دوم عقل ، سوم سنت و احادیث صحیحه ، چهارم اجماع ، و حجت وقتی حجت است که مکلف آنرا بفهمد و اگر نفهمد حجت بر او تمام نیست ، بعضی از مردم که توجه باین مطلب ندارند میگویند قرآنرا کسی نمی فهمد جز امام و این سخن سخن باطلی است زیرا اگر مردم نفهمند حجت نمیشود ، حق تعالی مکرر فرموده یا ایها الناس و مخاطب قرآن مردمند نه امام و اگر قرآن خطاب بامام بود و فقط برای امام بود باید بگوید یا ایها الامام و حال آنکه همه جا خطاب خدا با مردم است در سورة بقره آیه ۱۵۹ فرمود بیناه للناس و آیه ۱۸۵ شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و آیه ۱۸۷ - ۱۸۸ یبین الله آیاته للناس و آیه ۲۲۱ - ۲۲۲ و یبین آیاته للناس و در سورة آل عمران آیه ۱۳۸ - ۱۳۹ هذا بیان للناس و در سورة نساء آیه ۱۷۴ یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم و در سورة یونس آیه ۵۷ یا ایها الناس قد جائکم موعظة من ربکم و شفاء و در آیه ۱۰۸ قل یا ایها الناس قد جائکم الحق من ربکم و در آیه ۲۵ و یضرب الله الامثال للناس یعنی خدا این مثلها را برای مردم آورده و در آیه ۵۲ فرموده هذا بلاغ للناس ولینذروا به یعنی این قرآن پیغامی است برای مردم و برای انداز ایشان آمده و در سورة اسراء آیه ۸۹ و لقد صرفنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل ما در این قرآن از هر مثلی برای مردم آورده ایم و در آیه ۱۰۶ و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث یعنی و قرآنیکه ما آیه آیه نازل نمودیم برای آنکه بتدریج برای مردم بخوانی در سورة حج آیه ۷۳ یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له یعنی ای مردم مثلی در قرآن زده شده تا بشنوید در سورة نور آیه ۳۵ و یضرب الله الامثال للناس خدا این مثلها را برای مردم زده و در سورة عنکبوت آیه ۴۳ و تلك الامثال نضربها للناس و در سورة زمر آیه ۴۱ - ۴۲ انا انزلنا



عليك الكتاب للناس یعنی این مثلها را برای مردم میزنیم و محققاً این کتاب را نازل نمودیم بر تو برای مردم و در سوره جاثیه آیه ۲۰ - هذا بصائر للناس و هدی و رحمة یعنی این قرآن بصیرتها برای مردم و هدایت و رحمت است و صد آیه دیگر، مانند سوره حشر آیه ۲۱ و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون یعنی و این مثلها را برای مردم میزنیم تا اینکه ایشان فکر خود را بکار بیندازند آیا میتوان این همه آیات و فرمانهای خدا را ندیده بگیریم، بسیار مورد تعجب و تأسف است که ملت ما بر ضد تمام این آیات و بیانات خدائی میگویند نباید مردم مراجعه بقرآن کنند زیرا نمی فهمند یا میگویند باید امام بیاید برای ما بیان کند و یا ببینیم در تفسیر امام چه فرموده، باید گفت آقایان، قرآن وقتی نازل شد که نه تفسیری از امام و نه بیانی از امام شده بود و حتی مردم خود رسول خدا را قبول نداشتند و بصرف شنیدن آیات قرآن هدایت میشدند بعضی از اینان بدلیلهای پوچ، قرآن را قابل فهم نمیدانند، مادلیلهای ایشان را ذکر نموده و جواب روشن میدهیم تا بفهمند و دیگر از چنین سخنان خودداری کنند.

## ۲ - تمام قرآن قابل فهم است برای طالبین

البته باید زبان عربی را فرا گرفت برای فهم قرآن، قرآن وقتی نازل شد چطور یکعده مردم بی سواد مشرك آنرا میفهمیدند و بشنیدن آیات قرآن مجذوب و هدایت میشدند و آنانکه متولیان امور و دکانداران شرك بودند چون میفهمیدند قرآن منافی با دکان ایشان است مخالفت میکردند چگونه بعضی از مردم درس خوانده زمان ما قرآن را قابل فهم نمیدانند و مردم را از آن دور میدارند گاهی میگویند چون قرآن متشابهات دارد و خدا درباره متشابهات فرموده در سوره آل عمران آیه ۷ - و اخر متشابهات و ما يعلم تأويله الا الله یعنی عده دیگر از آیات قرآن متشابهات است و تأویل آنرا کسی نمیداند جز خدا در جواب ایشان باید گفت خدا فرموده تأویل آنرا کسی نمیداند اما نفرموده ترجمه و تزیل آنرا کسی نمیفهمد



تأویل مربوط بترجمه و فهم معنی ظاهری آن نیست قرآن تمام محکّمات و متشابهاتش قابل فهم و ترجمه میباشد گویا اینکه تأویل آنرا ندانیم تأویل مربوط بترجمه و منطوق و مفهوم قرآن نیست باضافه ما از ایشان میپرسیم متشابهات قرآن برای چه نازل شده و کدام آیاتست شما معین کنید ممکن است شما بهر کدام از آیات قرآن چنگ زنی کسی بگوید این از متشابهاتست اگر چنین باشد بهیچ کدام از آیات قرآن نمیتوان مراجعه کرد و تمام قرآن از حجیت میافتد و باید از همه صرف نظر کرد و قرآنرا کنار گذاشت و البته دشمنان اسلام و قرآن همین را میخواهند که مسلمین بقرآن مراجعه نکنند ولی بدانید تمام قرآن قابل مراجعه و فهم است چه محکّمات و چه متشابهات آن اگر چه تأویل آنرا ندانیم زیرا مسلمین مأمور بدانستن تأویل نیستند تأویل قرآنرا ندانند ضرری ندارد باید خود قرآن و ظاهر آنرا بفهمند و عمل کنند تا بسعادت برسند، و گاهی میگویند، روایت شده که ان للقرآن بطناً و للبطن بطناً الی سبعة ابطن یعنی برای قرآن باطنی است و برای باطن آن نیز باطنی است تا هفت بطن یعنی در شکم قرآن شکمی است تا هفت شکم تو در تو در جواب ایشان باید گفت اولاً چنین اخبار سند صحیحی ندارد و ثانیاً بر فرض صحت سند، آیا آن بطن موافق ظاهر است یا مخالف اگر بطن قرآن موافق ظاهر آن باشد پس عمل بظاهر آن اشکالی ندارد و در حقیقت بیاطن آن نیز عمل شده زیرا موافق یکدیگرند پس حجیت ظاهر محفوظ است و اگر میگویند باطن مخالف ظاهر آنست پس قرآنرا از حجیت ساقط کرده اند در حالیکه تمام علما، ظاهر آنرا حجت میدانند باضافه اگر مقصود از نزول قرآن باطن آن باشد و ظاهر آن مقصود نباشد لازم میآید حق تعالی اغراء بجهل و ظلم کرده باشد زیرا چیزی را نازل کرده که ضد آنرا از بندگان خواسته و باطن آنرا که مخالف و تضاد با ظاهر دارد از مردم طلبیده و بندگانرا گول زده یعنی اگر گفته اقیموا الصلوة مقصود باطنی او این بود که لا تقیموا الصلوة آیا میتوان چنین مزخرفی را بخدا نسبت داد بروید از خدا شرم کنید و از عذاب او بترسید ثالثاً در مقدمات تفسیر صافی روایت کرده



از فضیل بن یسار که سئوال کردم از امام پنجم (ع) ما یعنی بقوله لها ظهر و بطن قال ظهره تنزیله و بطنه تأویله یعنی مقصود از این که گفته اند برای آیات قرآن ظهر و بطنی است چه باشد، فرمود ظهر همان چیز است که نازل شده و بطن تأویل آن است بنابراین مقصود از بطن همان تأویل است که ما جواب دادیم و عرض کردیم تأویل بر ما لازم نیست و ما مأمور بفهم باطن و تأویل نیستیم و بطن و تأویل برای ما حجت نیست پس ما میگوئیم اگر بطن و تأویل مخالف ظاهر قرآن باشد که صحیح نیست و اگر موافق ظاهر باشد که دیگر فهم ظاهر و عمل بآن اشکالی ندارد بهر حال باطن قرآن هر چه باشد مانع از فهم ظاهر نیست .

و گاهی میگویند چون قرآن آیاتی در جبر دارد و آیاتی در تفویض و آیاتی در تجسم حق که رجوع بآنها باعث گمراهی است پس باید بظاهر قرآن رجوع نکرد در جواب ایشان باید گفت همین مطالب در اخبار نیز هست و رجوع باخبار نیز باعث گمراهی است پس شما باخبار نیز رجوع نکنید زیرا بسیاری از مردم بواسطه همین اخبار گمراه شده اند عزیز من قرآن و آیات آن باعث گمراهی کسی نمیشود مگر آنکه خود اهل مرض و غرض باشد و ما بآنان کاری و بجشی نداریم باضافه در اخبار متواتره وارد شده که هر خبری را با قرآن بسنجید و هر چه مطابق قرآن بود صحیح و آنچه مخالف قرآن بود باطل است بنابراین اگر قرآن قابل فهم نباشد چگونه با آن بسنجند معلوم میشود قرآن را می فهمیدند و احادیث را با آن تطبیق میکردند باضافه خدا فرموده ما قرآنرا ساده و آسان و قابل فهم نازل کردیم آیا نعوذ بالله خدا دروغ فرموده باضافه اگر حق تعالی کتابی مشکل و معما و پیچ در پیچ نازل کند و فهم و عمل آنرا از مردم بخواهد، تکلیف مالا یطاق کرده و ظلم و زور گوئی نموده زیرا فهم چیز را که قابل فهم عموم نیست از عموم خواسته، فلاسفه بشری چون کتب خود را علمی و مشکل نوشتند عوام کتب آنرا نمی فهمد و بسخن ایشان گوش نمیدهد و لذا مانند انبیا پیش-



روی نکردند ولی خدایتعالی انبیا و کتب آسمانی را برای عموم فرستاده و چون عوام مردم سخن انبیا و کتب الهی را فهمیدند بایشان گرویدند آیا ممکن است آیاتیکه میگوید قرآن آسان و روشن است منکر شویم در سورة قمر مکرر میفرماید و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر یعنی بتحقیق ما آسان نمودیم قرآنرا پس آیا کسی هست که متذکر شود و در سورة مریم آیه ۹۷ فرموده فانما یسرناه بلسانک و باز در سورة دخان آیه ۸۵ فرموده فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون یعنی پس این است و غیر این نیست که ما آسان نمودیم قرآنرا بزبان تو تا ایشان متذکر شوند کسانیکه منکر فهم قرآنند برای عموم آیا این آیات را دروغ میدانند و گاهی میگویند رسول خدا فرموده من فسر القرآن برأیه فلیتبعوا مقعده من النار یعنی هر کس قرآنرا برأی خود تفسیر کند مقعد او پر از آتش میشود پس قرآنرا نباید تفسیر کرد در جواب ایشان باید گفت این حدیث میگوید قرآنرا بمیل ورأی خود تفسیر نکنید اما نمیگوید بکلی تفسیر نکنید اگر طبق لغت عرب و فهم عرفی تفسیر کنند اشکالی ندارد زیرا بمیل خود تفسیر نکرده باید قرآنرا برأی شخصی تفسیر نکرد این صحیح است ولی این خبر فرموده قرآنرا نفهمید و یا قابل درک نیست و نیز فرموده اصلاً تفسیر نکنید پس کسانیکه بمردم میگویند قرآن مشکل است و قابل فهم شما نیست کتمان حقی کرده اند خدا در باره ایشان در سورة بقره آیه ۱۹۵ فرموده ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون یعنی حقیقتاً کسانیکه کتمان میکنند آنچه را نازل کرده ایم از آیات روشن و هدایت پس از آنکه مابیان نموده ایم برای مردم در این قرآن ایشانرا خدا لعن میکند حقتعالی در بسیاری از آیات ، قرآنرا بینات خوانده مانند آیه ۱۵ سورة مائده و آیه ۵۹ سورة انعام و آیات دیگر و مکرر میفرماید جائتہم البینات و انزلنا آیات مبینات و معنی آیات بینات آیات روشن و واضح است و مکرر قرآنرا کتاب مبین نامیده یعنی کتاب روشن در سورة نحل آیه ۱۰۳ فرموده



و هذا لسان عربي مبين یعنی این قرآن بزبان عربی روشن آمده و در سورة قصص آیه ۲- فرموده **تلك آيات الكتاب المبين** و در بسیاری از آیات امر فرموده بتعقل و تفکر و تدبر در قرآن و اگر قرآن قابل فهم نبود امر بتدبر در آن نمی نمود در سورة زخرف آیه ۲ فرموده **قرانا عربيا لعلمكم تعقلون** در سورة نساء آیه ۸۲ فرموده **افلا يتدبرون القرآن** در سورة محمد ﷺ آیه ۲۴ فرموده **افلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها** یعنی آیا تدبر در قرآن نمیکنید یا بلکه بردلها قفل زده شده در سورة مؤمنون و در سورة ص آیه ۲۹ فرموده **كتاب انزلنا مبارك ليذبروا آياته** یعنی کتابیکه نازل نمودیم با برکت برای آنکه تدبر کنند آیات آنرا ، پس کسانی که قرآنرا بعذری بدتر از گناه کنار گذاشته و آنرا قابل فهم نمیدانند مخالفت با اینهمه آیات کرده و باید توبه کنند بنظر ما بدترین دشمن اسلام و قرآن آن روحانی نمای بی اطلاعی است که بمردم میگوید شما قرآنرا نمی فهمید و نمیتوانید آنرا درک کنید و با این سخن پوچ مردمرا از قرآن بی خبر نموده اند ولی قرآن میگوید من نور و بیان روشن و آسانم .

گفت کتاب خدا که حکمت و نورم	گفته حقم ز جهل و وهم بدورم
هادی عقل و تمدن بشرم من	در همه جا چون خلیل بت شکنم من
ریشه شرك از زمین دل بدر آرم	زندگی شرك و مشرکین بسر آرم
بتکده را خانه الاله نمودم	روز بتانرا چو شب سیاه نمودم
رحمی ای یاوران که قابل رحمم	شیخی گوید که من نه قابل فهمم
مفتریست آنکه گفته رمز و بطونم	موجب گمراهی و خلاف شئونم
دشمن من چون هماره منکر نور است	شمس عیانست ولیك شب پره کور است
دوست نما گشته و پیامده جنگم	بهر خرافات خود زنند بسنگم
جمله ملت نموده اند ز من دور	پرده اوهام بسته اند چنان کور
قابل فهم و بیان ساده روانم	رحمتم و نعمت خدای جهانم
آنعرب پا برهنه صدر نشین شد	مالك هر ملك و شاه روی زمین شد
بردر میخانه آنقدر بگذشتم	تا که خم و شیشه و پیاله شکستم



راستی و حقیقت این است که تمام ملتها با کتاب آسمانی خود ضدیت و مخالفت کردند و حقائق آنرا مستور نمودند ولی هیچ ملتی مانند ملت ما اینهمه ضدیت و مخالفت با کتاب خدا نکردند مخالفت و ضدیت و کتمان حقی که اینان کردند هیچ کسی نکرده واقعاً میتوان گفت الاسلام محجوب بالمسلمین و القرآن مستور بخرافات المنسوبین .

### ۳- کسیکه آسانر انمی فهمد چگونه مشکل را بفهمد

گاهی میگویند در ترجمه و فهم آیات قرآن باید باخبار کتب حدیث مراجعه کرد جواب این است که اخبار و احادیث عربی مشکل تر از قرآنست چنانچه خود اهل عصمت فرموده اند احادیثنا صعب مستصعب یعنی احادیث ما سخت و بسیار مشکل است حال باید از ایشان پرسید کسیکه قرآن ساده را نمیفهمد چگونه اخبار مشکله را بفهمد آیا این زورگوئی را روا میدارید ما منکر خبر صحیح نیستیم ولی قرآنرا واضح تر از خبر میدانیم و اگر بخواهیم قرآنرا بتوسط خبر بفهمیم مبتلا بضد و نقیض گوئی میشویم زیرا اخبار ضد و نقیض و دروغ بسیار دارد اخبار خرافاتیکه بنام رسول و امام تراشیده و جعل کرده اند قرآنرا از اعتبار می اندازد ما می بینیم بسیاری از اخبار بدروغ از ائمه (ع) نقل شده و خرافات و ضد عقل و علم است در تفسیر والنجم اذاهوی خبری آمده که ستاره زهره کره بان بزرگی آمد و رفت در خانه علی (ع) برای آنکه مردم مدینه بدانند فاطمه زهرا (ع) زوجه علی (ع) خواهد شد آنهم در موقعیکه اصلا علی (ع) خانه نداشته در تفسیر سبحان الذی اسری از قول امام ششم خبری آمده که هر کس شب جمعه آنرا بخواند امام قائم را می بیند با اینکه در زمان امام ششم امام قائمی نبوده باضافه هزاران نفر این سوره را خواندند و امام قائم را ندیدند و باز در تفسیر همان آیه نوشته اند که چون رسول خدا بمعراج رفت بهر آسمانیکه میرفت ملائکه رم میکردند و فرار می نمودند و در تفسیر



واللیل نوشته‌اند که امام فرمود واللیل عمر است و هزاران اخبار مجعوله برای تعصب مذهبی وارد تفسیر قرآن شده بنام امام باضافه در بسیاری از آیات خبری در تفسیر آنها از امام نرسیده آن آیات را چه بکنیم از قرآن جدا کنیم و یا حکم بلغویت آن آیات کنیم و بگوئیم هر کس از آن آیات چیزی بفهمد بی دین و یا کافر است آیا سزاوار است که حقائق را بآن اخبار مستور کنیم آیا سزاوار است که آنرا نزد عقلا از اعتبار بیندازیم و بواسطه آن اخبار قرآنرا مملو از موهومات معرفی کنیم آیا در زمان رسول خدا و ائمه هدی مردمیکه در اطراف بلاد اسلامی بودند بعد از اینکه تفسیری از امام چاپ نشده و بدست ایشان نرسیده از قرآن استفاده نمی‌کردند آیا آنزمانیکه این تفسیرها نوشته نشده بود مردم بهتر از قرآن بهره میبردند یا زمان ما، بسیاری از مردم نصاری و اشخاص غیر مسلمان فهمیده و نوشته‌اند که صدر اسلام چون مرجع مسلمین فقط قرآن بود بغرت و شوکت رسیدند و ترقی کردند ولی در زمانهای بعد چون کتب دیگر و سخنان و اخبار ضد و نقیض پیدا شد و مردم از قرآن منصرف شده و بکلمات دیگر پرداختند عزت خود را از دست داده و بتفرقه و ذلت مبتلا شدند قرآنیکه عامل وحدت بود بواسطه آمدن تفسیرها فعلا عامل تفرقه و نفاق شده مسلمین چون از قرآن غافل شدند مبتلا بهزاران بدعت و خرافات و موهومات و گمراهی شدند جزای کسانی که از قرآن دور شدند همان است که خدایتعالی در سورة اعراف آیه ۱۴۶ فرموده و ان یروا کل آیه لا یؤمنوا بها و ان یروا سبیل الرشده لا یتخذوه سبیلا و ان یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا ذلك بانهم کذبوا بآیاتنا و کانوا عنها غافلین یعنی این مردم هر آیه ایرا بینند نمی‌گروند و اگر راه هدایت را بینند بآن راه نمی‌روند و اگر راه ضلالت را بینند آنرا برای خود انتخاب میکنند این صفت مردم بواسطه این است که بآیات ما (یعنی قرآن) تکذیب کرده و از آنها غافلند، در این روزگار کار بجائی رسیده که صدها هزار نفر بنام امام حسین علیه السلام زنجیر بر خود می‌کوبند اما یکنفر از ایشان عقائد حقه قرآن



را نمیدانند با اینکه اما مرا تابع همین قرآن میدانند قرآنرا از مردم گرفته و زنجیر بدست ایشان داده‌اند تا بر خود بکوبند و اگر کسی پیدا شود برای بیداری مردم چیزی بگوید و یا بنویسد همه از او بدگوئی و توهین میکنند اما یکنفر باهل بدعت و ضلالت توهین نمی‌کند ای خوارنده عزیز اگر گفتار ما را باور نداری بکتب اروپائیان مراجعه کن بین گوستاوبون و یا گویلیام و یا محمد اسد اطریشی و امثال ایشان نوشته‌اند که اگر مسلمین بخواهند عظمت و عزت از دست رفته خود را برگردانند باید بمتن قرآن مراجعه کرده و دواى درد خود را از قرآن بجویند بهر حال ما میدانیم یداجانب که سالها سعی کرده تا بیهانه‌هایی ملت ما را از قرآن جدا کرده‌اند نمیگذارند کسی گوش بسخن ما دهد و بقرآن نزدیک شود و از طرف دیگر بسیاری از دکانهای بدعت که در میان مسلمین باز شده و رواج پیدا کرده اهل آندکانها سعی دارند که مسلمین بمتن قرآن مراجعه نکنند زیرا قرآن مرد مرا بیدار و هشیار میکند و دکانهای ایشان کساد خواهد شد.

#### ۴ - خبر صحیح آنستکه موافق قرآن باشد

رسول خدا و ائمه هدی فرمودند هر خبری از ما بشما رسید چه در معارف و چه احکام و چه در فضائل و چه دعا باید با قرآن بسنجید اگر موافق قرآن نبود باطل است پس اولاً باید آنرا بفهمند تا بتوانند هر خبری را با آن تطبیق کنند اگر بنا باشد بقرآن استدلال نکنند مگر بعد از ورود خبر پس چگونه قرآنرا دلیل بر بطلان خبر قرار دهند و سائل الشیعه ج ۳ ص ۳۸۱ و کتاب کافی روایت کرده‌اند از رسول خدا که فرمود ان علی کل حق حقیقه و علی کل صواب نوراً فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه یعنی بتحقیق بر هر حقیقی و بر هر صوابی نور است پس آنچه موافق کتاب خدا شد بگیرید و آنچه مخالف کتاب خدا شد وا گذارید و نیز از امام ششم علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود



فما لم يوافق من الحديث القرآن فهو زخرف یعنی پس آنچه از حدیث موافق قرآن نباشد باطل است و نیز روایت کرده از امام ششم علیه السلام که میفرمود کل شیء مردود الی الكتاب و السنة و کل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو زخرف یعنی هر چیزی باید رد بشود بکتاب خدا و سنت رسول خدا و هر حدیثی که موافق کتاب خدا نباشد باطل است و زخرف و نیز در همانجا روایت کرده اند از رسول خدا که خطب النبی صلی الله علیه و آله بمنی فقال ایها الناس ما جاءکم عنی یوافق کتاب الله فاناقلته و ما جاءکم یرخالف کتاب الله فلم اقله یعنی فرمود در خطبه خود بمنی ای مردم آنچه آمد برای شما از قول من که موافق کتاب خدا بود من گفته‌ام و آنچه برای شما آمد و مخالف کتاب خدا بود پس من آنرا نگفتم و روایات بسیار دیگر بهمین مضمون بنابراین قرآن الگو و میزانست برای صحت و سقم اخبار و آنچه بر دین خدا اضافه و یا کم شده بوسیله اخبار مجعوله با میزان قرآن میتوان فهمید .

## ۵- آیا برای مطالب اسلامی میزانی نیست

برای هر کسب و کاری در دنیا میزانی هست مثلاً برای خوار و بار فروشی میزان و ترازوئی است که کم و زیاد هر جنسی را با آن معلوم میکنند اگر نزاعی شد در کمی و زیادی جنسی باید میزانی باشد که با آن بسنجند تا کم و زیادی آن معلوم شود دکان بزازی باید متری باشد تا کم و زیاد پارچه با آن معلوم شود آیا در اسلام میزانی نیست که مغرضین و منافقین هر چه کم و زیاد کردند معلوم نشود و هر کس بمیل خود هر چه خواست بنام اسلام بیافد و کسی صحت و سقم آنرا نداند آیا میزان صحت و سقم مطالب اسلامی چیست رسول خدا و ائمه هدی فرموده اند میزان قرآنست حال اگر کسی میزانرا نفهمد چگونه چیز را با آن بسنجد اگر کسی سنگ کیلو و یا متر را نشناسد میتواند باو گفت با چیزیکه نمی شناسی اجناس را میزان کن البته باید اول برود میزان آنرا بفهمد پس مسلمان



اول باید قرآنرا بفهمد سپس توجه باخبار و احادیث کند و رسول خدا و ائمه علیهم السلام فرموده اند صحت و سقم هر خبر را بتوسط قرآن بفهمید و نفرموده اند صحت و سقم قرآنرا از حدیث معلوم کنید یکعده از مردم از همه جای خبر میگویند قرآنرا با خبر بسنجید و معنی صحیح آنرا از خبر استفاده کنید اگر چنین باشد دور لازم میآید، قرآنرا رسول خدا و ائمه حجت خوانده اند برای همه کس و همه جا و مشروط با موافقت اخبار قرار نداده اند

## ۶- رسول و امام قرآنرا حجتی جامع خوانده اند

امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه خطبه ۱۸۲ فرموده فالقرآن آمرزاجرو صامت ناطق حجة الله على خلقه وقد فرغ الى الخلق من احكام الهدى به فانه لم يخف عنكم شيئاً من دينه ولم يترك شيئاً رضيه او كرهه الا وجعل له علماً باديّاً، یعنی پس قرآن امر کننده و نهی کننده است ساکتی است ناطق حجة خدا است بر خلق او و بوسیله قرآن بنهایت رسانیده احکام هدایترا بدرستی که حق تعالی چیزی از دین خود را مخفی نگذاشته و همه را در قرآن بیان نموده و چیزی که مورد رضا و کراهت او باشد رها نکرده مگر آنکه برای تمام آنها نشانه ظاهری در قرآن گذاشته، از این خطبه معلوم میشود که تمام احکام اسلام از کلی و جزئی در قرآن موجود است ولی فقها در کتب خود از احادیث و قواعد اصولی و اقوال بسیار استدلال میکنند اما چیزی که کمتر در کتب ایشان بچشم میخورد استدلال بآیات است میتوان گفت واقعاً قرآن مهجور و متروک شده و غریب گشته بنده در این زمان یکنفر مرجع دینی را میشناسم که از قرآن بکلی بی خبر است و حتی فتوائی داده در اصول دین که مخالف با صد آیه قرآنست و مردم بی خبر از قرآن نیز از او پذیرفته اند با اینکه اصول دین تقلیدی نیست، در اینجا است که طبق آیه ۳۰ سوره فرقان رسول خدا صلی الله علیه و آله در قیامت شکایت خواهد کرد و عرض میکند یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً یعنی ای پروردگار من بدرستی که قوم من این قرآنرا کنار گذاشتند.



## ۷ - شکایت امیرالمؤمنین از مردم دور از قرآن

در خطبه ۱۷ نهج البلاغه میفرماید الی الله اشکو من معشر یعیشون جهالا و یموتون ضلالا لیس فیهم سلعة ابور من الكتاب یعنی بخدا شکایت میکنم از گروهی که در نادانی زندگی میکنند و در ضلالت میبیرند زخمی و جراحی در میان ایشان بدتر از قرآن نیست یعنی آیات قرآنرا خوش ندارند و در خطبه ۱۸ در مذمت اختلاف علما فرموده **الاهم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد و دینهم واحد** فامرهم الله بالاختلاف فاطاعوه ام نهام عنه فعصوه ام انزل الله دینا ناقصا فاستعان بهم علی اتمامه ام كانوا شركاء له فلهم ان يقولوا و علیه ان یرضی ام انزل الله سبحانه دینا تاما فقصر الرسول عن تبلیغه و ادائه و الله سبحانه یقول ما فرطنا فی الكتاب من شیئی و قال فیہ تبیان کل شیئی تا آخر، یعنی خدای ایشان یکی و پیغمبر ایشان یکی و کتاب و دین ایشان یکی است آیا پس خدا امر نموده ایشانرا باختلاف که اینان اطاعت او کردند یا آنکه خدا نهی از اختلاف کرده پس ایشان عصیان او نمودند یا اینکه خدا دین ناقصی نازل کرده پس از ایشان یاری خواسته برای اتمام آن یا اینان شریکان خدایند برای دین او که ایشان بگویند و خدا بپذیرد یا اینکه خدای عزوجل دین کاملی فرستاده پس رسول او از رساندن آن کوتاهی کرده و خدایتعالی در کتاب خود سورة انعام آیه ۳۸ فرموده **ما فرطنا فی الكتاب من شیئی** یعنی ما چیزی را فروگذار نکردیم در این قرآن و در سورة نحل آیه ۸۹ فرموده **و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیئی** یعنی ما بر تو نازل کردیم کتابی که بیان هر چیزی در آنست، از این کلمات امام و قرآن روشن میشود که آنچه ما یحتاج بشر بوده از معارف و احکام همه و همه در قرآن بیان شده و باید زحمت کشید و از آن استخراج نمود ولی عده از مردم بی اطلاع زحمت نکشیده میگویند کجای قرآن فرموده نماز واجب پنج است و کجای قرآن فلان چیز را گفته باید بایشان گفت بلی خدا دروغ نگفته همه اینها در قرآنست تو نمیتوانی استخراج کنی تو دانشت کم است و از قرآن بی خبری بیا



کتاب احکام القرآن را بخوان تا مطلع شوی در نهج البلاغه خطبه ۱۷۵ فرموده انتفعوا ببيان الله واعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذي لا يغش و الهادي الذي لا يضل واعلموا انه ليس على احد بعد القرآن من فاقة ولا احد قبل القرآن من غنى واستنصحوه على انفسكم واتهموا عليه آرائكم واستغشوا فيه اهلهم يعني بهره برید بیان خدا و بدانید که این قرآن همان نصیحت کنی است که خیانت ندارد و هدایت کنی است که گمراهی ندارد و بدانید که احدی بعد از داشتن قرآن محتاج به چیز دیگری نیست و برای احدی قبل از آنکه بقرآن برسد بی نیازی نیست ( یعنی اگر صدهزار حدیث بدانی تا بقرآن چنگ نزنی فقیری ) قرآن را رهنمای بسوی پروردگارتان قرار دهید و او را نصیحت گوی خود نمائید و آراء و عقائد خود را متهم دانسته و بر قرآن عرضه بدارید و عیب عقائد و افکار خود را در قرآن اصلاح نمائید ، از این خطبه معلوم میشود که قرآن میزان صحت و سقم عقائد است و بدون قرآن دینداری نشاید و رسول خدا فرموده فاذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن یعنی هرگاه فتنه های دینی بر شما را هرامشبه کند مانند پاره های شب تاریک پس بر شما باد بقرآن

## ۸ - اهمیت قرآن و عظمت آن

در جلد ۹۲ بحار جدید ص ۱۹ روایت کرده از رسول خدا که فرمود القرآن افضل کل شیء دون الله فمن قر القرآن فقد قر الله یعنی قرآن از هر چیزی برتر است جز خدای تعالی پس کسی که عظمت بقرآن بدهد بتحقیق خدا را عظمت داده قرآن قانون الهی است رسول خدا و جانشینان او تماماً باید تابع قرآن باشند و از قرآن جدا نشوند چنانچه در قرآن خطاب بر رسول خدا فرموده واتبع ما انزل الیک من ربک و در آیه دیگر فرموده واتبع ما وحي الیک یعنی پیروی کن ای رسول ما از آنچه بتو نازل شده و یا وحي شده بسوی تو و رسول خدا فرمود انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یرد اعلی الحوض



یعنی بدرستی که من میگذارم در میان شما دو چیز بزرگ کتاب خدا و عترتم را هرگز این دو چیز از یکدیگر جدا نشوند، از این حدیث دو مطلب استفاده میشود اول اینکه عترت رسول باید از قرآن جدا نشوند یعنی راهیکه قرآن نشان داده همانرا بمردم بگویند و راه دیگری بمردم ارائه ندهند و آنچه قرآن فرموده معارض آن نگویند و اگر نه از قرآن جدا شده اند و خود عترت مکرر فرموده اند که ما مخالف قرآن نمی گوئیم و هرگاه بیان حکمی نموده اند و کسی از ایشان مدرک خواسته از قرآن مدرک نشان داده اند دوم- اینکه معلوم میشود قرآن در زمان رسول خدا جمع شده و بصورت کتاب بوده که رسول خدا فرموده این کتابرا میان شما میگذارم پس این کتاب خدا در زمان رسول خدا جمع آوری شده نه در زمان خلفا، باضافه امیر المؤمنین علیه السلام بعد از سی و پنج سال از هجرت در زمان خلافت و سلطنت خود بالای منبر کوفه مکرر امر کرده مردمرا بمراجعه بقرآن و همین قرآنرا حجت خدا میداند و همین قرآن که در دست مسلمین میباشد در زمان رسول خدا و امیر المؤمنین مرجع دینی بوده باضافه خدای تعالی وعده حفظ قرآنرا از کم و زیاد داده و فرموده نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون پس قرآنیکه رسول خدا میان امت خود گذاشته محفوظ مانده و متواتر است و نباید بسخن مغرضین و متعصبین که قرآنرا دست خورده معرفی میکنند اعتنا کرد و نباید گوش داد

### اثمه افتخار میگردند که ما اهل قرآن و تابع آنیم

چون خدای تعالی در سوره نحل آیه ۴۳ و سوره انبیا آیه ۷ فرموده فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون یعنی سئوال کنید از اهل ذکر اگر نمیدانید و مقصود از ذکر، اگر قرآنست ائمه هدی فرموده اند ما اهل ذکر یعنی ما اهل قرآنیم، و ما اهل بیت عصمت را اهل قرآن و عالم بقرآن میدانیم و در مجملات قرآن اگرچه قابل فهم است در تفصیل آن رجوع باهل عصمت کرده ایم و هرگز حکمی که برخلاف حکم ایشان باشد از قرآن استخراج نکرده ایم و ایشان که



فرموده‌اند ما اهل قرآنیم فرموده‌اند که دیگران از قرآن استفاده نکنند و در تحصیل علم قرآن نکوشند پس کسانی که می‌خواهند در مطالب دینی مقلد باشند بیایند مقلد خدا و قرآن باشند و از این رساله که مستخرج از قرآنست استفاده کنند زیرا کتاب خدا رساله ایست که باید همیشه مرجع باشد و صاحب آن که خدا باشد دائمی و باقی است و نمی‌میرد و هر روز تبدیل و تغییر رأی ندارد و راست‌گوتر از او نیست چنانچه در سورة نساء آیه ۱۲۲ فرموده و من اصدق من الله قیلاً یعنی کیست راست‌گوتر از خدا، بهر حال کتاب خدا برای هدایت همه مردم آمده و هر کسی باید از آن بهره برد و بآن عمل نماید چه مسلمین زمان ما و چه آیندگان پس از ما، چنانچه خدا در سورة انعام آیه ۱۹ فرموده و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلغ یعنی وحی شده بسوی من این قرآن تا اینکه بترسانم بآن شما و هر کس را که باو برسد، پس قرآن اختصاص بفردی و یا عده‌ای ندارد لذا این بنده پیشنهاد نور چشم عزیز ارجمند خود را پذیرفته و برای تشویق او و سایر جوانان خردمند این رساله را تحریر و تسطیر نمودم امیدوارم مورد قبول و اقبال تمام برادران اسلامی بشود و از طرف پروردگار ثوابی برای پیشنهاد کننده و نویسنده و بانی و نشر دهنده مقرر گردد و چنانچه باشتباهی برخوردند نویسندگان را مطلع سازند ما مدعی عصمت نیستیم و ادعای احاطه بتمام قرآن نداریم و اگر کسی بهتر از ما بتواند احکام خدا را از قرآن استخراج کند این کار را بکند ما بسیار خرسند خواهیم بود بهر حال کسانی که از مظلومیت و مہجوریت قرآن در تعب و رنج بوده و از بودن خرافات در میان مسلمین مترجرنند وظیفه شرعی و عقلی ایشان است که ما را در نشر این رساله و کتاب مساعدت نمایند تا سعادت دنیا و آخرت خود را دریابند،